

گوشه‌ای از تاریخ ریاضیدانها

(از: کاشانی نامه، ابوالقاسم قربانی)

از نامه غیاث الدین جمشید کاشانی

به پدرش

غرض که چون بنده همچنین جایی در آمد و هر کس چشم و گوش برگماشتند که معلوم کنند که این کس در چه نصاب است، هر چند روز بندگی حضرت سلطنت پناهی در حلقه درس حاضر می‌شود و چون حاضر شد درس ریاضیات مقدم می‌دارند و این بنده هم حاضر شد. یکی از امتحان طلبه این است که هر کس به حلقه درسی در آید غافل است از آن که چه مسأله در میان خواهد بود و اصحاب مدرسه آن را به تجدید مطالعه بلیغ کرده‌اند، چون آغاز بحث می‌شد هر بار به عنایه الله تعالی و یمن همت آن خداوندی این بنده دخل کاملی کرده چنانکه چند چیز که ایشان را از مطالعه معلوم نشده گفته و اعتراضات وارده بر سخن ایشان کرده و نکته‌های لطیف بیرون آورده که همه حیران مانده‌اند. پیش از آمدن این بنده اشکالی چند ایشان را واقع شده بود و در میان یکدیگر انداخته و هیچکس بیرون آوردن آن نتوانسته است. مثلاً خواسته‌اند که اسطرلابی که یک گز قطر آن باشد بسازند... همه مستخرجان فرمودند که به اتفاق عمل کنند... و در مانده بودند. ریاضی دانان را اشارت فرموده بودند که به قوت قوانین هندسی تحقیق و تصحیح آن بکنند. هیچ کس نتوانسته است که تحقیق آن بکند... هر چند عمل می‌کرده‌اند و فکر در آن می‌نموده‌اند راست نمی‌آمده. چون این بنده رسید در روز این مسأله در حضرت سلطنت پناهی پیش آورده‌اند و این بنده در فور و هم در مجلس تصحیح یکی از آن کرده و منشأ غلط ایشان بیان کرده و تطبیق کلام زیج بر این بیان کرد.